آخر خط

گردنه

قسمت اول

ایلیا موسایی| کوچه مثل گلوی درازیک لک لک، باریک و تنگ بود. وقتی یک ماشین می‌رفت یامی‌آمد، این‌طرفی‌ها باید منتظر می‌ماندند تاعبور کند. حالا اما برف نرمی باریدن گرفته بود وهمه‌جا خلوت بود. هردوتا پراید آن اوایل کوچه گیر افتاده ورو درروی هم ایستاده بودند. افتاده بودند سر لج وحالا هردو، دستشان راآن‌قدر روی بوق نگه‌داشته‌بودند که‌صدای همسایه‌ها واهالی محل درآمده بود. یکی دو نفر هم بایقه‌های بالاداده توی سوز هوا ایستاده بودند به‌تماشا که‌ببینند آخرش کار به‌کجامی کشدو کدام‌یکی ازراننده‌ها برنده می‌شود. انگار دوتا بوفالوی نر شاخ‌به‌شاخ شده باشند. یکی ازراننده‌ها شیشه راداد پایین وقفل فرمان راتوی هوا تکان‌تکان داد. راننده مقابل کاپشنی مشکی باتکه‌های زرد داشت. به‌جای جواب کلا ماشین راخاموش کرد وبا خونسردی نگاه کرد. راننده‌ای که‌قفل فرمان توی دست داشت، دررا باز کرد وپیاده شد. داد زد «برو عقب نفله... الکی علافمون کردی» راننده دیگر شیشه راداد پایین و گفت «من این‌همه راهو برگردم عقب که‌تو چندمتر تکون نخوری؟! بیا اینم یکی پیداش شد» پشت پراید سفید یک سمند نقره‌ای‌توی گلوی لک‌لک پایین‌آمد. آن‌قدرآمد که‌سپربه‌سپر چسبید به‌پراید ویک بوق کوتاه زد که‌زودتر تکلیف راروشن کنند. راننده‌ای که‌قفل فرمان توی دست داشت داد زد «حرف مفت نزن... دوتاتون دنده‌عقب می‌گیرین‌وگرنه‌میام‌شیشه‌هاتونومیارم‌پایین» راننده‌لاغر کاپشن‌زرد گفت «داداش مگه سر گردنه‌است؟! داری زور می‌گی مرد حسابی» آن‌یکی پیاده شد وداد زد «همینه که‌هست... تو این محل کسی جیک بزنه‌نفسشومی‌برم» بعدآمد وکنار پوزه پراید سفید ایستاد. اول قفل فرمان راروی کاپوت کشید وبعد محکم کوفت روی چراغ جلو که‌پودر شد وهمراه نرمه‌های برف ریخت روی آسفالت. راننده لاغر سریع پیاده شد ورفت سراغ صندوق‌عقب. سمند حالا شروع کرده بود به‌زدن بوق‌های ممتد پشت‌سرهم. مرد لاغر اسلحه بزرگ راازتوی صندوق کشید بیرون. به‌آرامی قدم برمی‌داشت. لوله تفنگ مستقیم راننده‌قفل فرمان به‌دست رانشانه‌رفت وصدای غرش شلیک آسمان راشکافت. مرد سیاه‌پوش اول ماتش برد وگلوله دوم طوری ازجمجمه‌اش عبور کرد که‌درجا افتاد روی زمین وتکه‌های مغزش پاشید روی کاپوت ماشین خودش. راننده لاغر اسلحه راروی دوشش حمایل کرد؛ هنوز از لوله‌فلزی بخار سربی‌رنگی بلند می‌شد. آمد ازتوی داشبورد چیزی برداشت وهمان‌طور خونسرد وآرام پیاده به‌راه‌افتاد. همه‌ماتشان برده‌بود. فقط دیدند درحال رفتن سیگارش راآتش زد ودودش رافرستاد هوا. انگار برای هواخوری وتفرج آمده توی این محله قدم بزند.

پرده دوم

زن گفت «به‌خدا احمد جوشی وعصبی بود ولی آدم بدی نبود» مرد گفت «اینجا رو امضا کنین» زن گفت «حالا طرف پیدا شده؟» مرد گفت «انگشت هم بزن» زن انگشتش راتوی استامپ زد ومحکم روی کاغذ فشار داد. مرد گفت «تاریخ مراجعه بعدی پیامک میاد» زن گفت «آقا تورو‌خدا به‌جایی می‌رسه؟ خون احمد پایمال نشه... من بادوتا بچه...» مرد گفت «می‌رسه» زن گفت «مردم خطرناک شده‌ان به‌خدا... شما حساب کن سر ردشدن از کوچه زده شوهرمو کشته» مرد گفت «من اینا رو نمی‌دونم خانم... شاهدا می‌گن شوهرت اول شاخ‌وشونه کشیده‌وزده چراغ ماشین طرفو‌شکونده» زن گفت «به‌خدا احمد جوشی بود ولی تو دلش چیزی نبود... حالا بالفرض زور گفته وگردن کلفتی کرده... خب‌طرف باید کوتاه میومد... می‌رفت‌عقب... نهایتا خرجش چراغ یه پراید بود... می‌شه چقدر؟» مرد داشت یک فرم دیگر راپر می‌کرد. گفت «خانم من این چیزا رو نمی‌دونم... همینو می‌شد به‌شوهر شما هم گفت... بعدش هم مگه شهر هرته... لات‌بازی درنیاری واموال مردمو تخریب کنی... بقیه هم باید برات کوتاه‌بیان‌ورعایتتوبکنن چون‌پدرمادرت‌توی‌تربیتت کم‌گذاشته‌ان» زن احتمالا حرف‌هایش رانصفه‌نیمه شنیده بود چون ازتوی قندانی که‌روی میز بود یک شکلات برداشته بود وداده بود به‌بچه‌ای که‌روی نیمکت انتظارش رامی‌کشید وحالا داشت ازاتاق می‌رفت بیرون...

ادامه دارد

روی خط حادثه

رهایی یک زندانی محکوم به قصاص

ایرنا| پیگیری پرونده یک محکوم به قصاص در شهرستان میان‌جلگه، پایانی متفاوت داشت وزندگی یک محکوم را متحول کرد. در این پرونده یک زندانی در انتظار اجرای حکم قصاص بود که‌با تلاش مسئولان و معتمدان محلی با برگزاری جلساتی با اولیای دم و پادرمیانی و درخواست‌های عفو مکرر، منجر به‌صلح و سازش شد و خانواده مقتول در حرکتی خداپسندانه از خون فرزندشان گذشتند و رضایت دادند. با اعلام گذشت این خانواده، حکم قصاص نفس این زندانی که‌قطعی شده بود، منتفی شد و فرد محکوم از قصاص رهایی یافت.

فروریختن سقف منازل در کوهرنگ

صداوسیما| بارش سنگین برف دومتری در شهرستان کوهرنگ از توابع استان چهارمحال‌وبختیاری، نه‌تنها مشکلاتی در عبور و مرور و دسترسی به روستاها ایجاد کرده است، بلکه آخرین خبرها از ریزش سقف تعدادی از خانه‌های قدیمی حکایت دارد تا جایی که هلال احمر دوازده خانه قدیمی را به‌دلیل نگرانی از تخریب تخلیه کرده است. به‌گفته امدادگران مشکل اصلی این شهرستان راه‌ها و مسیرهای دسترسی است که امدادرسانی را مشکل کرده است.

یک کشته از ۱۱ مسافر یک خودرو سواری

ایلنا| با اعلام واژگونی یک خودرو سمند و گرفتارشدن سرنشینان آن درون خودرو، امدادگران هلال احمر خودشان را به‌جاده سبزوار به‌شاهرود رساندند. بررسی‌های اولیه نشان داد که‌این خودرو یازده سرنشین داشته است و همه مسافران آن تبعه خارجی بوده‌که به‌طرز مشکوکی درحال جابه‌جایی بوده‌اند. امدادرسانی به‌حادثه‌دیدگان نشان‌داد که‌یکی از این افراد در پی این سانحه جان باخته است. دو مصدوم این حادثه نیز به‌دلیل شدت مصدومیت به‌نزدیک‌ترین مرکز درمانی منتقل شدند.

تلف‌شدن ۲ زرافه در یک باغ‌وحش تهران

مهرا| دو زرافه درباغ‌وحش صفادشت تهران تلف شدند. به گفته ابدالی، سرپرست دفتر حفاظت و مدیریت حیات‌وحش، درصورت قصور در نگهداری این حیوانات با مقصران برخورد خواهد شد.

ماه‌عسل در ناکجاآباد

شایدبرای‌شماهم اتفاق بیفتد

شیادی از زوج‌های جوانی که قصد سفر رؤیایی به جزیره کیش و قشم را داشتند

مهدی قرآنی

پرده اول: مات در کیش

چندروزی می‌شود که‌زندگی مشترکشان را آغاز کرده‌اند. هواپیمایشان که در فرودگاه کیش به زمین می‌نشیند، سراغ یکی از رانندگان تاکسی می‌روند و از او می‌خواهند که آن‌ها را به نشانی محل اقامتشان ببرد. راننده تاکسی ابرو بالا می‌اندازدومی‌گوید نشانی اشتباه‌است. آن‌هاخیابان‌های کیش‌رازیرورومی‌کنند، حتی هتلی به آن نام هم در این جزیره وجود ندارد. مرد جوان عصبانی است و شماره فرد رزروکننده هتل را می‌گیرد: «مخاطب در دسترس نیست.»
عصبانیتش بیشتر می‌شود و دوباره و سه‌باره و چندباره شماره تلفن مدنظر را می‌گیرد، اما هربار به در بسته می‌خورد. کلاه بزرگی سرشان رفته است. حالا باید ماه‌عسلشان‌رادرناکجاآباد جشن‌بگیرند. زوج جوان دست از پا درازتر به مشهد بازمی‌گردندوحالاپیگیر شکایت‌ازفردی هستند که نه او را دیده‌اند و نه می‌دانند محل کارش کجاست. تنها سرنخی که دارند، شماره تلفن همراهی است که از دسترس‌خارج‌شده‌است‌وآگهی‌تبلیغاتی در یکی از وبگاه‌های واسطه‌گری.

پرده دوم: اتاق خالی نداریم

تاکسی مقابل هتل می‌ایستد. هتل مجموعه اقامتی مجللی است و پنجره‌هایش رو به دریا باز می‌شود. کمی آن‌طرف‌تر هم پارک ساحلی و یک رستوران چندستاره معروف کیش به چشم می‌خورد. در پوست خودش نمی‌گنجد. مرد جوان خوش‌حال از انتخابش، چمدان‌هایشان را تحویل می‌دهد و به‌سمت پذیرش حرکت می‌کند.
نام‌ونام‌خانوادگی‌اش را همراه با کدملی خودش و همسرش در اختیار مسئول پذیرش می‌گذارد، اما متوجه می‌شود که هیچ اتاقی به‌نام آن‌ها ثبت نشده است. با شماره‌ای که دارد، تماس می‌گیرد، اما خط تلفن از دسترس خارج شده است.
همسرش بیرون هتل انتظار او را می‌کشد و او مانده است چه جوابی بدهد. اولین روز زندگی مشترکشان را در ماه‌عسل این‌گونه آغاز کرده‌اند. با پدرش تماس می‌گیرد و بدون اینکه همسرش بویی برده باشد، مبلغ رزرو هتل را برای اجاره اتاق قرض می‌کند. اما متوجه می‌شود هتل حتی اتاق خالی هم ندارد.
به هتلی دیگر می‌روند. حالا همسر مرد جوان موضوع را فهمیده است و او را دلداری می‌دهد. به‌محض اینکه پایشان به مشهد می‌رسد، به دادسرا می‌روند و از فردی که نه او را دیده و نه می‌شناخته‌اند، شکایت می‌کند.

پرده سوم: ماه‌عسل کنار خیابان

هوای جزیره بسیار گرم و شرجی است. یک تاکسی کرایه می‌کنند تا آن‌ها را به‌سمت هتلی که رزرو کرده‌اند، ببرد. نشانی درست است، اما هتلی در آن منطقه وجود ندارد. تا چشم کار می‌کند، دورتادورشان را آب گرفته است. زمینی بایر و بدون حتی یک بوته خار. راننده تاکسی با چند نفر از دوستانش تماس می‌گیرد و نام هتلی را که زن و شوهر جوان درپی یافتنش هستند، پرس‌وجو می‌کند، اما نتیجه هیچ است. اصلا هتلی به این نام در آن جزیره وجود ندارد.
زن و مرد جوان در کنار خیابان آواره شده‌اند و شماره تلفنی که در اختیار داشتند، از دسترس خارج شده بود. به پیشنهاد راننده تاکسی به یک مجموعه اقامتی می‌روند تا برای چند روز اتاقی از آن اجاره کنند. نه آن اتاق شبیه تصاویر آگهی در سایتی بود که مرد قبل از سفر اجاره کرده بود و نه تعداد ستاره‌هایش در آسمان‌ها. یک مجموعه اقامتی ساده که حالا باید ماه‌عسل رؤیایی‌شان را در آن می‌گذراندند.
بعد از بازگشت به مشهد، مرد جوان علیه صاحب آگهی شکایت می‌کند تا پلیس او را شناسایی کند و به حسابش برسد. در روند شکایت متوجه می‌شود که چند زن و شوهر دیگر قربانی وعده‌های پوشالی این فرد شیاد شده‌اند و برای چند روز مهمان ناکجاآباد بوده و ماه‌عسلشان را در آنجا گذرانده‌اند.

پرده آخر: عیاشی با پول زوج‌های جوان



سیم‌کارت‌های کشف‌شده‌ازمتهم

مأموران کلانتری هفت‌تیر مشهد ردش را در محدوده بولوار دانشجو می‌زنند و یک واحد آپارتمانی را که مرد جوان برای شیادی‌هایش اجاره کرده‌است، شناسایی می‌کنند. مأموران با حکم قضایی او را درحالی که مشغول استراحت در مخفیگاهش بود، به دام انداختند. مرد جوان که از این اقدام پلیس غافل‌گیر شده بود، مدعی شد هیچ خطایی از او سر نزده است. او که خودش را شاغل در بازار معرفی می‌کرد، با کشف تعداد زیادی سیم‌کارت، به‌ناچار لب به بیان حقیقت گشود و راز مجرمانه‌اش را فاش کرد.
فرمانده انتظامی مشهد با رمزگشایی از یک پرونده کلاهبرداری در مشهد، به تشریح جزئیات آن می‌پردازد و به شهرآرا می‌گوید: در پی اعلام چند فقره گزارش کلاهبرداری از زوج‌های جوان به مقام قضایی وپلیس، موضوع در دستور کار عوامل انتظامی مشهد قرار گرفت. با بررسی‌های صورت گرفته و موقعیت جغرافیایی وقوع جرم، پیگیری پرونده در اختیار مأموران دایره تجسس کلانتری هفت‌تیر قرار گرفت. سرهنگ احمد نگهبان با اشاره به شگرد متهم پرونده بیان می‌کند: در تحقیقات پلیسی مشخص شد که متهم این پرونده با درج آگهی در وبگاه‌های واسطه‌گر با موضوع رزرو هتل در جزیره‌های کیش و قشم با هزینه‌ای مناسب، زوج‌های تازه‌ازدواج کرده را برای گذراندن تعطیلات و ماه‌عسل فریب داده است. این فرد با تبلیغات اجاره سوئیت‌های مجلل نظر زوج‌های جوان را جلب می‌کند و با چرب‌زبانی برای رزرو سوئیت، مبالغی بین یک تا ۳ میلیون تومان به‌عنوان بیعانه از آن‌ها دریافت می‌کند.
این مقام ارشد انتظامی مشهد می‌افزاید: زوج‌های جوان که خام وعده پوشالی این فرد شده‌اند، پس از واریز وجه، در موعد مقرر به جزیره کیش یا قشم سفر و به نشانی داده‌شده مراجعه می‌کنند. اما در مقابل، یا نشانی سوئیت و هتل اشتباه بوده یا نشانی مدنظر اصلا وجود نداشته است.
سرهنگ نگهبان می‌گوید: پس از دستگیری متهم، مأموران دایره تجسس کلانتری هفت‌تیر در بازرسی از محل اختفای او ۲۷ سیم‌کارت و چهار تلفن همراه هوشمند همراه با پنج کارت بانکی با مشخصات بانکی افراد ناشناس را کشف و ضبط کردند. متهم که مردی سی‌وهفت‌ساله است، ابتدا حاضر به همکاری با پلیس نمی‌شود، اما در رویارویی با مستندات موجود در پرونده، به‌ناچار لب به بیان حقیقت باز می‌کند و معترف می‌شود که سیم‌کارت‌ها و کارت‌های بانکی را از معتادان کارتن‌خواب به مبالغ بسیار کم اجاره کرده است. او برای اجرا کردن نقشه مجرمانه‌اش تصاویر زیبا و جذاب سوئیت‌های مجلل جزیره کیش و قشم را از وبگاه‌های مربوط ذخیره و اطلاعات موجود را در وبگاه‌های واسطه‌گر با درج مطالب غیرواقعی و فریبنده مبنی بر اجاره سوئیت با قیمت بسیار کم ویژه زوج‌های جوان، آگهی می‌کرده است. او پس از فریب طعمه‌هایش شماره مدنظر را از دسترس خارج می‌کند. درحالی که مال‌باختگان به سفر رؤیایی خود می‌رفتند و در مکانی دورتر از مشهد سرگردان می‌شدند.
رئیس پلیس مشهد ادامه می‌دهد: در تحقیقات بعدی این پرونده نیز مشخص شد که متهم دارای سابقه کیفری با عنوان کلاهبرداری است. او همچنین به‌دلیل آگهی جعلی فروش خودرو در وبگاه‌های واسطه‌گر سر تعدادی از شهروندان تهرانی را هم کلاه گذاشته بود و هم‌اکنون از سوی مقامات قضایی پایتخت تحت تعقیب قرار دارد. متهم در این پرونده نیز با تبلیغ فروش خودرو در وبگاه‌های واسطه‌گر، تعدادی از شهروندان تهرانی را با ترفند پرداخت بیعانه فریب داده و مبالغی را از آن‌ها کلاهبرداری کرده است. متهم همچنین با مبالغ کلاهبرداری در مشهد یک واحد آپارتمان را اجاره کرده و مبالغ واریزی طعمه‌هایش را صرف عیاشی و خوش‌گذرانی می‌کرده است. به گفته سرهنگ نگهبان، تاکنون دوازده نفر از شکات مشهدی شناسایی شده و با مراجعه به کلانتری هفت‌تیر علیه این فرد شکایت کرده‌اند.
فرمانده انتظامی مشهد تأکید می‌کند: میزان کلاهبرداری این فرد رقم چشمگیری است و تحقیقات درباره میزان آن و تعداد شکات ادامه دارد. بنابراین، اخبار تکمیلی متعاقبا اعلام می‌شود.

جهان حوادث

مرگ ۱۰۰ فلسطینی در زلزله ترکیه و سوریه

صداوسیما| با بیرون آوردن اجساد پنج فلسطینی دیگر از زیر آوار در شهر انتاکیه ترکیه، شمار جان‌باختگان فلسطینی در زلزله ویرانگر ترکیه و سوریه به‌صد نفر افزایش یافت. گفته شده است باتوجه به اینکه اطلاعات کاملی درباره سلامت همه خانواده های فلسطینی ساکن مناطق زلزله‌زده در ترکیه و سوریه در دست نیست، شمار جان‌باختگان فلسطینی درحال افزایش است. درحالی شمار جان‌باختگان فلسطینی بر اثر زلزله در ترکیه به ۴۹ نفر رسیده است که ۵۱ نفر از پناهندگان فلسطینی نیز در سوریه جان باخته‌اند.

زلزله ۶.۱ ریشتری، نیوزیلند را لرزاند

مهر| رسانه‌های نیوزیلند از وقوع زمین لرزه‌ای به‌بزرگی ۶٫۱ ریشتر در نزدیکی شهر ولینگتون، پایتخت این کشور، خبر دادند. باتوجه به‌بزرگی زلزله، احتمال خسارت‌ها در پی آن وجود دارد، اما هنوز گزارشی درباره خسارت و تلفات احتمالی این زلزله منتشر نشده است.

۲۱ کشته در تصادف اتوبوس و کامیون

تی‌آرتی| بر اثر برخورد یک دستگاه اتوبوس با کامیون در استان لیمپوپو در آفریقای جنوبی، ۲۱ نفر جانشان را از دست دادند. در این حادثه که حوالی تونل‌های ورؤد در بزرگراه N-1 رخ داد، اتوبوس از جاده خارج شد و داخل رودخانه افتاد که در نتیجه آن نوزده نفر در محل حادثه و دو نفر نیز در بیمارستان جانشان را از دست دادند. همچنین، وضعیت سلامت ۹ نفر از ۵۹ مصدوم این حادثه وخیم گزارش شده است.



عکس متهم در کلانتری هفت‌تیر؛ شهرآرا

جدول ۳۶۹۰

